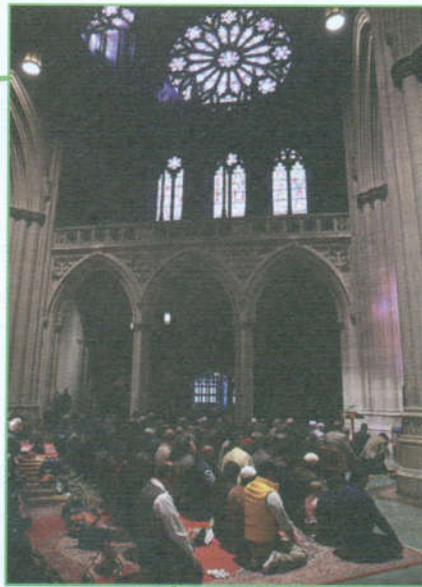
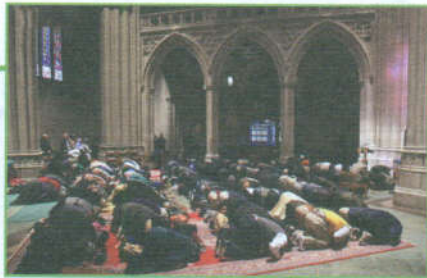




کا نماز در کلیسا

برای نخستین بار کلیسای جامع واشنگتن میزبان شهروندان مسلمان به منظور برگزاری نماز جمعه بود. مدیر کلیسا هم گفته «مسئولان کلیسای جامع با این کار خواستند تا نشان دهند که جامعه مسیحی با مسلمانان در رابطه‌ای کم‌نظیر و عالی به سر می‌برد... این یک پیام برای تمام جهانیان است.» هرچند این کار مسلمانان، با اعتراض برخی از مسیحیان روبه‌رو شد، اما برگزار کنندگان نماز جمعه در کلیسای جامع واشنگتن امیدوارند این کار به کم شدن روند اسلام‌هراسی و حملات مختلف به مسلمانان در آمریکا کمک کند. آیا این تصویر نمی‌تواند نشان از نفوذ گسترده اسلام در دل کشورهای کفر باشد؟



حرف‌ها و خبرها

کا تحریم چی؟

در تحریم هستیم؛ تحریمی سخت و ناجوانمردانه. این جمله را سال‌هاست که شنیده‌ایم و به آن عادت کرده‌ایم. تحریمی که در این سال‌ها بر حجمش اضافه شده و به بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های یک کشور در تاریخ تبدیل شده است. ما البته بهانه‌های پوچ دشمن را می‌شناسیم و می‌دانیم که آن‌ها فقط نمی‌خواهند کشوری را که با آمریکا و اسرائیل، دوست نیست و حتی دشمن است، موفق و سربلند ببینند. ما می‌دانیم که هر وقت دشمن از ما ناراحت باشد یعنی داریم کار خوبی می‌کنیم. حالا این دشمن ناراحت، ما را تحریم کرده و در این تحریم، حتی قطعات هواپیماهای مسافربری و بسیاری از داروهای حیاتی را که جان انسان‌ها به آن وابسته است، از ما دریغ می‌کند، اما تا حالا به این نکته دقت کرده‌اید که چرا دایره این تحریم‌های سخت‌گیرانه شامل ماشین‌های گران‌قیمت، لوازم آرایشی، سیگار، تلفن همراه و خیلی از لوازم لوکس نشده است؟ به نظر شما این‌ها چه سودی برای دشمن دارند؟





کا کجای کار می‌لنگد؟

مردم مصر قیام کردند، زندانی‌های کشیدند، صدها کشته و هزاران زخمی دادند تا نظام ناسالم کشورشان را سرنگون کنند و حسنی مبارک

رئیس‌جمهور فاسدشان را برکنار، که البته موفق شدند، اما چشیدن طعم پیروزی چندان دوامی نداشت و انقلاب آن‌ها شکست خورد. مصری‌ها لااقل به اجرای عدالت امید داشتند تا حسنی مبارک که باعث این همه قتل و ظلم بود و حالا گوشه زندان، محاکمه شود و به سزای اعمالش برسد؛ البته دادگاه برگزار شد اما آقای مبارک و همکارانش از همه اتهامات تبرئه شدند! به همین راحتی! این قصه آن قدر تلخ و غیرطبیعی بود که برخی به تمسخر بگویند: اگر این پرونده در کره مریخ هم بررسی می‌شد لااقل یک جریمه نقدی از او می‌گرفتند!

درست در همین زمانه که کسی مثل فرعون مصر با این همه جرم و ستم، تبرئه می‌شود، در یک کشور عربی دیگر کسی مثل «شیخ نمر» روحانی بزرگ شیعه فقط به جرم حقیقت‌گویی و تقاضای رسیدگی به مسلمانان، به اعدام آن هم با شمشیر محکوم می‌شود. به نظر شما کجای کار می‌لنگد؟



کا سانسور بی‌رحمانه

حتماً تا حالا در تلویزیون، خبر و تصاویر کارناوال‌ها و مراسم‌های خاص و بزرگ دنیا را دیده‌اید؛ چیزهایی مثل جشن اموات! در فلان کشور آمریکایی، مراسم پرتاب گوجه در فلان کشور اروپایی، مراسم رنگ‌پاشی، مراسم گلوبازی و... که هر کدام از این جشن‌ها و کارناوال‌ها به نوعی پیشوند خاص‌ترین یا جذاب‌ترین را دارند؛ اما از بزرگ‌ترین مراسم مذهبی جهان در هیچ کدام از رسانه‌های مهم دنیا جز چند خبر کم‌رنگ یا در حد زیرنویس چیزی نمی‌بینید! جایی که هم جمعیتش بی‌شمار است و هم نوع حرکت، خاص و جالب‌توجه، هم پذیرایی‌ها دیدنی است و هم هدف و کلی چیزهای دیگر که باید برای هر رسانه‌ای پر از ارزش خبری باشد، اما انگار افرادی نمی‌خواهند راهپیمایی بیش از بیست میلیونی اربعین را که نمونه‌ای در جهان ندارد، به مردم جهان نمایش بدهند، به نظر شما چرا؟



کا یک عادت زشت

مرتضی پاشایی خواننده پاپ درگذشت. مردم بسیاری برای تشییع جنازه او آمدند که این حضور گسترده چندان غیرمنتظره نبود، اما یکی از حاشیه‌های این مراسم، تصویر رفتار زشتی است که متأسفانه چند سالی است که به یکی از عادت‌های مردم ایران تبدیل شده است. تصویربرداری و فیلم‌برداری از همه چیز و همه کس و هر برنامه و رویداد جای تأسف بسیار دارد و باید که از یاد ما برود. شما ریشه این رفتار را در چه چیزی می‌دانید؟



کا شاعر «ک مثل کپل»

مدرسه موش‌های ۲ فروش بالایی داشت و هنوز هم در سینمای برخی شهرستان‌ها در حال اکران است. ما بزرگ‌ترها با دیدن این فیلم یاد کودکی‌هایمان افتادیم و شعری که در برنامه کودک جمع‌ها از تلویزیون‌های سیاه و سفیدمان می‌شنیدیم: «ک مثل کپل، صحرا شد پر ز گل، گ مثل گردو، بنگر به هر سو...» اما ما هم تا همین چند روز پیش نمی‌دانستیم که شاعر این شعر زیبا و خاطره‌انگیز چه کسی است. شما چه فکر می‌کنید؟ این شعر را که بچه‌های زمان ما خاطره‌های زیادی با آن دارند، یک روحانی گفته است؟ استاد ابوالقاسم حسینی ژرفا، نویسنده و شاعر معروف حوزوی در سال ۶۱ این شعر را سروده است.



کا مهربانی صیاد

از دشمنی صید و صیاد حکایت‌ها شنیده‌اید اما از دوستی‌شان هرگز. دنیای حیوانات که گاهی ما آن را به اشتباه دنیای وحشی می‌نامیم، صحنه‌هایی عجیب و استثنایی زیاد دارد؛ نمونه‌اش چند وقت پیش در پارک حیات‌وحش «سابی سند» آفریقای جنوبی اتفاق افتاد. ماجرا این بود که یک پلنگ ماده به یک ماده‌آهو و بچه یک‌روزه‌اش حمله می‌کند. مادر سریع فرار می‌کند و بچه تنها می‌ماند. بچه هم پلنگ را با مادرش اشتباه می‌گیرد و به آغوشش می‌رود. بقیه‌اش را هم که شما می‌بینید.

کا خواهران طلایی ووشو

شهریان و سهیلا منصوریان بعد از قهرمانی جهان و کسب مدال طلای این رشته، حجاب چادر را برای خودشان انتخاب کردند. این دو خواهر رزمی‌کار که چادری شدنشان توسط الهام چرخنده (زهرایی) بازیگر سینما و تلویزیون انجام گرفت، پیش از این مدال طلای خودشان را نیز تقدیم مقام معظم رهبری کرده بودند.



آن‌ها نشان دادند که حجاب نه تنها مانع و حصار برای فعالیت‌های زن نیست بلکه زمینه‌ساز رشد فکری و اعتقادی و اجتماعی است. امیدواریم این حرکت خواهران منصوریان تبدیل به یک حرکت فراگیر در ورزش بانوان کشور شود.

کا مد برای ما، پیشرفت برای آن‌ها

«مارک زاکربرج» مدیرعامل و مؤسس فیس‌بوک است؛ یک جوان کم‌سن و سال، موفق و یکی از ثروتمندترین‌های جهان. با این وجود زاکربرج در همه مراسم‌ها تنها با یک مدل لباس دیده می‌شود. کاری که قبل از او «استیو جابز» صاحب کمپانی شرکت اپل انجام می‌داد. زاکربرج حتی برای ازدواجش یک مراسم ساده و بی‌سر و صدا گرفت. او در پاسخ به این که چرا همیشه از یک مدل لباس استفاده می‌کند، پاسخی داده که باید برای جوانان ما قابل تأمل باشد. او گفته «این کارها وقت‌گیر است و انرژی می‌برد. این که چه لباسی بپوشم یا برای صبحانه چه تهیه کنم انرژی آدم را می‌گیرد. ما مشغول مدیریت یک شبکه بزرگ بین‌المللی هستیم و تلاش داریم هدف خود را محقق کنیم. من چندین تی‌شرت دارم اما همه با یک رنگ واحد...» این‌ها کسانی هستند که می‌خواهند به جای لباسشان، «جهان» را عوض کنند. آلبرت انیشتین نابغه فیزیک نیز که با نظریاتش جهان را متحیر کرد، همواره یک نوع خاص و ساده از لباس بر تن می‌کرد. حالا آن دسته از نوجوانان و جوانان ما که این قدر تابع مدهای روز هستند، چه استدلالی دارند؟



کا وفنی کارپکاؤرها زبان به اعراض می‌گشایند

هنر، همیشه یکی از ابزارهای ویژه برای بیان مشکلات و مصائب انسان‌ها بوده است؛ هنر گاهی زبان اعتراض و گاهی بیان‌کننده رنج‌هایی است که با آن روبه‌رو هستیم.

در بین هنرهای مختلف، کاریکاتور به‌نوعی اجتماعی‌ترین هنر در بین هنرهای مختلف از جمله هنرهای تجسمی است؛ هنری که شاید بیش‌تر از هنرهای دیگری در معرض دید عموم قرار داشته باشد و سادگی بیانش نیز آن را به هنری منحصر به فرد تبدیل کرده است. وقتی اتفاقی در دنیا رخ می‌دهد، بلافاصله کاریکاتوریست‌ها دست به قلم می‌شوند و در کم‌ترین زمان ممکن آثاری را در ستیز یا تمجید از یک اتفاق ناخوشایند و یا خوشایند به کار می‌برند.

چند ماه پیش هم وقتی نوجوان بی‌گناه سیاه‌پوست به دست نیروی پلیس آمریکا کشته شد، بسیاری از مردم این کشور و البته کشورهای دیگر دست به اعتراض گسترده برضد آن‌چه تبعیض‌نژادی در ایالات متحده می‌خواندند، زدند. هنرمندان کاریکاتوریست نیز از همان ابتدا با قلم‌های خود مردم را بر ضد این خشونت همراهی کردند.



کا فوئبالست جهادی!

جهان فوتبال پر است از خاطره گل‌ها و قهرمانی‌ها. هم‌چنان که شکست‌ها و ناکامی‌ها هم ماندگار شده است. هرچند با یک نگاه می‌توان قهرمان‌هایی را در دنیای فوتبال یافت که با زدن گل‌های زیاد یا گل‌های خاص، بازی‌های مؤثر و یا دروازه‌بانی دل‌پذیر اسطوره شده‌اند، اما در لایه‌های خبرها و حاشیه‌ها نمونه‌های متفاوتی از قهرمانان دیگری را هم می‌توان یافت؛ مثل قهرمانان دفاع از دین، وطن و ناموس. کاری که علی عدنان بازیکن خوش‌آتیه عراقی آن را بر فوتبال در سطح اول دنیا ترجیح داد.

علی عدنان ۲۰ سال دارد و در تیم ملی عراق است و عضو باشگاه ریزاسپور ترکیه. سال ۲۰۱۳ به‌عنوان برترین فوتبالیست جوان آسیا انتخاب شد و به او لقب «روبرتو کارلوس عراقی» و «گرث بیل آسیا» را دادند. او پیشنهادهای ویژه‌ای از باشگاه‌های مهم دنیا مثل تاتنهام انگلیس و آس رم ایتالیا داشت که برای جذب او پیشنهاد چند میلیون یورویی ارائه کرده بودند. اما علی عدنان به جای رفتن دنبال رضایت‌نامه باشگاه و کم و زیاد کردن صفرهای رقم قرارداد، کار مهم‌تری انجام داد. او سلاح دست‌گرفت و به جمع داوطلبان دفاع از کشور در مقابل تروریست‌های داعش پیوست. علی عدنان رهایی وطنش و دفاع از شرف و آیینش را بر فوتبال حرفه‌ای اروپا ترجیح داد.



نگاه کن، انگار سیاه‌پوست‌ها دارن موج‌مکزیکی میرن. جالبه!



شلیک‌نگار!



بدون شرح



توجه